

رویای ابلق و کابوس سهراب

در وضعیت معمولی هم سینمای ایران، اگران ضعیف و گیشه کم رونقی را تجربه می‌کرد، چه رسد به این روزها که تحت‌تاثیر اتفاقات رخ داده، بیشتر از اولویت‌های مردم فاصله گرفته و با افت محسوس مخاطبان و کاهش چشمگیر فروش گیشه مواجهیم. البته می‌توان امیدوار بود که در ادامه، اگران و گیشه به‌تدریج به وضعیت عادی برگردد و سینماها کمی بیشتر از میزان روشنایی فعلی، سوسو بزنند.

از میان ۱۰ فیلم تازه‌تری که در نوبت‌های ۲۰ مرداد ۲۶ مرداد، ۲ شهریور و ۱۶ شهریور اگران خود را آغاز کردند سه فیلم «ابلق»، «دوزیست» و «پسر دلفینی» عملکرد موفق‌ی داشتند و صدرنشین گیشه در میان ۱۰ اثر اخیر اگران هستند.

در این میان صدرنشینی ابلق با توجه به کارنامه موفق کارگردانش نرگس آبیار و حضور چهره‌هایی چون بهرام رادان، الناز شاکردوست و هوتن شکیبا و قصه فیلم که ارجاعی به موضوع «می‌توه» و ماجراهای تعرض دارد، قابل پیش‌بینی بود و رتبه اوش، درست به نظری‌رسد.

دلیل رتبه دومی دوزیست در جدول فروش هم بستگی تام و تمام به حضور چهره‌های پرفروشی چون جواد عزتی و پژمان جمشیدی و بازیگر خوبی مثل هادی حجازی‌فر دارد، وگرنه این ساخته بروز نیک نژاد، در قصه و ساختار به جذابیت کارهای موفق و قبلی‌اش نیست.

اما شگفتانه گیشه، انیمیشن سینمایی پسر دلفینی به کارگردانی محمد خیراندیش است که توانسته در رقابت با فیلم‌های پرچهره، رتبه سوم فیلم‌های اخیر اگران را به خود اختصاص دهد.

این فیلم هم رقیب گردن‌کلفتی برای دیگر فیلم‌ها به حساب می‌آید و هم راه را برای درخشش انیمیشن‌های خوش ساخت دیگر باز کرده است. از این نظر پسر دلفینی استثنایی میان صدرنشینان گیشه است و حسابش از ابلق و دوزیست جداست و موفقیتش (نسبت به هزینه‌های تولید و دخل و خرج فیلم) نسبت به آنها به واقعیت نزدیک‌تر است.

رده‌های چهارم و پنجم جدول فروش به ترتیب متعلق به بانک‌زده‌ها (جواد اردکانی) و کوزوو (میثم هاشمی طبا) است که باتوجه به کم‌دی بودن آنها و توان و ظرفیت چهره‌هایشان برای جلب نظر تماشاگر، آنها هم فروش مناسبی تا اینجا داشته‌اند و چندان نمی‌توان انتظار بیشتری از آنها داشت.

اما از میانه جدول به بعد، اوضاع فیلم‌ها نامیدکننده است و به دلیل کیفیت و ساختار متوسط و متوسط به پایین فیلم‌ها، آنها فروش‌هایی ناچیز و ناچیزتر در گیشه داشته‌اند و فاصله زیادی با آثار بالا و حتی میانه جدول فروش دارند؛ از آن‌آثاری که هرکدام به سهم خود رنگ خطر را برای اگران سینمای ایران به صدا درمی‌آورند و حتی پرش‌هایی درباره نفس ساخته‌شدن بعضی از این آثار را مطرح می‌کنند.

آمار گیشه:

ابلق: ۱۶ میلیارد و ۱۶ میلیون تومان

دوزیست: ۱۵ میلیارد و ۸۰۰ میلیون تومان

پسر دلفینی: ۱۰ میلیارد و ۸۰۰ میلیون تومان

بانک‌زده‌ها: یک میلیارد و ۲۰۰ میلیون تومان

کوزوو: یک میلیارد و ۸۰ میلیون تومان

شین: ۴۶۰ میلیون تومان

شب طلایی: ۲۷۰ میلیون تومان

نموز: ۱۲۸ میلیون تومان

برای مرجان: ۱۲۱ میلیون تومان

رویای سهراب: ۵۳ میلیون تومان

دانمارک بعداز سابقه طولانی در توهین به مقدسات مسلمانان

از جمله اهانت به پیامبر اعظم(ص) در اقدامی موهن، فیلم «عنکبوت مقدس» به کارگردانی علی عباسی را به‌عنوان نماینده خود به اسکار فرستاد. موسسه فیلم دانمارک، عنکبوت مقدس علی عباسی را در کنار فیلم‌های «بقیه عمر» ساخته فرل پترسون و «همان‌طور در بهشت» ساخته تی لئندنیورگ به‌عنوان سه گزینه نهایی خود برای شرکت در اسکار

فیلم موهن نماینده دانمارک در اسکار شد

ساچین لیتلفیدر ۵۰ سال بعد از مراسم جنجالی ۱۹۷۳ از آن روز می‌گوید

خشن‌ترین لحظه تاریخ اسکار



سرخپوست‌کشی، سوژه تاریخی هالیوود

رابطه میان سینما و رنگین‌پوستان در طول تاریخ سینمای آمریکا، همواره یک‌مطرفه بوده است. هالیوود همیشه با نگاهی تحت سلطه ایده برتری نژاد سفید به موضوع رنگین‌پوستان نگرسته است. در این میان، سرخپوست‌ها به‌عنوان صاحبان اصلی سرزمین آمریکا در سینمای تحت سلطه سفیدپوستان به‌عنوان «دیگری» مطرح شده‌اند، نژادی بدوی کم‌سواد، خرافاتی و وحشی که باید تحت انقیاد نژاد متمدن درآیند. با این نگاه بوده که مجموعه فیلم‌های سینمای وسترن در آمریکا اساسا بر این دیدگاه استوار شده که کشتن سرخپوستان، عملی مباح و حتی لازم برای ایجاد تمدن نوین آمریکایی بوده است. در این فیلم‌ها، قهرمان‌ها سفیدپوستان غرب وحشی هستند که برای ایجاد تمدنی جدید می‌کوشند و بربرهای بی‌تمدن، همواره در برابر آنها ایستاده‌اند. این نگاه در حقیقت اعمال هرگونه خشونت بر ضد رنگین‌پوستان را تئوریزه و البته طبیعی کرده است. حتی سینمای آمریکا در دوران جدید وقتی به موضوع سرخپوست‌ها نزدیک شده، باز هم ناچی و قهرمان، یک سفیدپوست آمریکایی است که به بربرها وا ندنی و ناچیز می‌شود و آنها را آدم می‌کند، مشهورترین فیلم در این حوزه «با گرگ‌ها می‌رقصد» کوین کاستنراست که مورد حمایت همه جانبه هالیوود قرار گرفت.

رسانه‌ای دربار واقع‌ه واندد نی و جنبش سرخپوستان آمریکا و اشغال سرزمین‌هایشان وجود داشت. وقتی همگان مرا روی صحنه دیدند که با لباس سرخپوستی و در یک مراسم رسمی صنعت سینما دارم نام واندد نی و داگوتای جنوبی را به زبان می‌آورم، این بایکوت رسانه‌ای شکسته شد. همه خوانستند داستان واقعی هرآنچه که در آنجا رخ داد را بدانند. آن سخنرانی نقشه و برنامه اف بی آی را عقیم کرد.

بازگشت «تارزان» به سینما

تارزان، قهرمان کلاسیک ادبیات و سینما که توسط ادگار رایس باروز خلق شده بود، بار دیگر به پرده سینما برمی‌گردد.

کمپانی سونی پیکچرز حقوق نمایشی تارزان را از بنیاد ادگار رایس باروز، نویسنده آمریکایی خالق این شخصیت در اختیار گرفته و به دنبال بازآفرینی کامل شخصیت و مالکیت معنوی آن است.

تاکنون هیچ نویسنده، کارگردان و تهیه‌کننده‌ای برای ساخت فیلم جدید تارزان با کمپانی استودیو قراردادی امضا نکرده است.

انتشار این داستان، نوشته ادگار رایس باروز برای نخستین بار در سال ۱۹۱۲ به موفقیتی بزرگ تبدیل شد و برای چند دهه از طریق فیلم‌ها، سریال‌ها، نمایش‌های رادیویی، برنامه‌های تلویزیونی و کمیک استریپ‌ها در فرهنگ عامه تاثیر گذاشت و بین دهه ۱۹۳۰ تا ۱۹۷۰ در اوج بود اما انیمیشن دیزنی در سال ۱۹۹۹ به موفقیتی دوچندان دست یافت.

برادران وارنر سال ۲۰۱۶ در فیلمی با بازی الکساندر اسکارشگورد و مارکو رابی تلاش کرد یک مجموعه فیلم جدید برای تارزان بسازد اما این فیلم در جلب توجه مخاطبان شکست خورد. / هالیوود ریپورتر

از نظر هنری، ضعیف‌ترین فیلم حاضر در این جشنواره بود، جایزه بهترین نقش اول زن را به بازیگر این فیلم داد. به نظر می‌رسد اقدام دانمارک، بخشی از پروژه سیاسی اسلام ستیزی غربی و توهین به مقدسات اسلامی باشد. نکته مهم این است که در تولید این فیلم موهن، تعدادی از عوامل داخل کشور با تیم سازنده فیلم همکاری کرده بودند که وزارت ارشاد تاکنون برخورد روشن و مشخصی با آنان نکرده است.



از اجرای بگروبیندهای زیادی شده است.

[۱] در مستند «ساچین سکوت را می‌شکند» درباره افرادی صحبت کرده‌اید که تلاش کردند به روی صحنه مراسم بیایند و مانع از ادامه صحبت‌تان شوند و بارها از طرف شما این جمله تکرار شده که **جان‌وین در آن زمان به شدت سعی کرده خودش را نگه دارد** و اقدامی علیه‌تان نکرد.

زمان سخنرانی صداهای اعتراضی را از پشت سرم می‌شنیدم. متوجه این موضوع شدم که از طرف حدود شش مامور امنیتی داخل سالن دعوت به خویش‌تنداری می‌شد و به او می‌گفتند به من توهینی نکند و فحشی ندهد. فکر کنم این خشن‌ترین اقدام و رفتاری بود که تا آن زمان در تاریخ مراسم اسکار اتفاق افتاده بود.

[۲] این موضوع را از زبان ماموران شنیدید؟

بله. این موضوع هیچ وقت علنی و رسانه‌ای نشد. آکادمی اسکار هیچ وقت او را بابت این کار ملامت نکرد و مورد بازخواست قرار نداد. حتی انتقادی هم به آن نکرد. شاید یک دلایلش این بود که آن زمان این موضوع به رسانه‌ها درز نکرد و در جایی چاپ نشد. اما خشن‌ترین لحظه تاریخ آکادمی اسکار در آنجا و توسط جان وین رخ داد. بعد از مراسم اسکار از سوی اف بی آی تحریم و بایکوت شدم. آنها به اطراف هالیوود سرک کشیده و از دیگران می‌خواستند کاری به من ندهند.

تهدید شدند که اگر به من کار بدهند، تولیداتشان متوقف خواهد شد. در همان زمان، به دیگریانی چون جانی کارسون و مرو گرiffin اجازه داده شد در تاک‌شوهای مختلف حاضر شده و درباره من و علیه من صحبت کنند. برای من چنین حقی قائل نشدند و اجازه پیدا نکردم در چنین برنامه‌هایی حاضر شده و حرف بزنم یا جواب اتهامات را بدهم. آن فیلم شصت ثانیه‌ای صحبتم در اسکار هم به محاق برده شد و برای مدت زمانی طولانی در جایی پخش نشد. به نوعی در دست کسی نبود و از دسترس خارج شده بود.

دو نسل بعدتر، مردم توانستند به تماشایش بنشینند و از همان زمان، پرشش‌ها شروع شد. همه می‌خواستند بدانند ماجرا چیست، این زن جوان کیست و چرا چنین کاری انجام می‌دهد؟ خوشحال بودم که این اتفاق دوباره به سطح آمده و رو شده و مردم درباره‌اش حرف می‌زنند. حالا هم بعد از ۵۰ سال نامه عذرخواهی آکادمی برایم آمده است. این چیزی بود که هیچ وقت انتظارش را نداشتم و کاملاً متعجب و سورپرایزم کرد.

[۳] مارلون براندو برای سرخپوستان و جامعه بومیان چه‌ای شناخته شده بود. برای شما و چه نوع آدمی بود؟

دوستی‌ام با مارلون براندو براساس علایق متقابل بود. او را به عنوان یک بازیگر می‌شناختم و نوع ارتباطم با او براساس موضوع سرخپوستان بومی آمریکا بود. با آن‌که یک زن بودم، اما دوستی‌مان به شکل دلدادگی نبود. از صحبت کردن با او لذت می‌بردم. او به بومیان آمریکا علاقه داشت و این علاقه رزمینه‌ای قدیمی داشت. او موضوع تبعیض نژادی را خیلی خوب درک می‌کرد.

[۴] اگر امروز مجبور بودید دوباره به روی صحنه رفته و جایزه اسکار براندو را دریافت کنید، این کار را انجام می‌دادید؟

این مثل تیش قلب است. من این کار را تنها به‌خاطر مارلون براندو انجام ندادم. این کار را به نمایندگی از جانب خودم انجام دادم؛ به‌خاطر تمام آن بومیانی که از تبعیض نژادی و نابرابری رنج می‌برند، تمام آن کسانی که در آمریکا و کانادا زیر چتر ژئوسلاید، نسل‌کشی و پاکسازی نژادی به دنیا آمده و بزرگ شده‌اند.

اسپانسرهایی که منصرف شدند

جواد اردکانی، کارگردان فیلم «بانک‌زده‌ها»، با بیان این‌که این فیلم در دسته کم‌دی سپاه قرار می‌گیرد، گفت: این‌گونه سینمایی در دنیا با فروش چندانی همراه نیست. کم‌دی سپاه



در همه جای دنیا نسبت به دیگر فیلم‌های کم‌دی فروش کمتری دارد و ما از لحظه نوشتن فیلم‌نامه از این مسأله آگاه بودیم. نکته دیگر این‌که بانک‌زده‌ها سوپرستار ندارد. امروز یکی از اصلی‌ترین عوامل در پرفروش شدن فیلم‌ها استفاده از سوپرستارهاست. ما از بهترین عوامل برای حضور در این فیلم استفاده کردیم و از انتخاب‌هایم بسیار راضی هستم و بازی‌های قابل قبولی را در بانک‌زده‌ها شاهدیم اما هیچ یک از بازیگران این فیلم سوپرستار نیستند و این قطعا در میزان فروش فیلم تأثیرگذار است. وی افزود: برای تبلیغات این فیلم با چند اسپانسر به توافق رسیده بودیم که متأسفانه این همکاری میسر نشد و جالب‌است که این اسپانسرهای دلیل موضوع فیلم که مربوط به بانک و بانکداری می‌شود از همکاری با ما صفر نظر کردند. / ایلنا